

بررسی نسبت قیام و قرآن در نگرش امام خمینی(ره)

«احیای قرآن» فلسفه نهضت ۵۷

تحلیل
علی دزفولی



مردم ایران چه در بازه پیروزی انقلاب و چه پس از آن «تحقق قرآن» را به عنوان یکی از اهداف قیام خود می‌دانسته و سختی‌ها و مصائب فراوانی را در این مسیر به دوش کشیده‌اند. حرکت انقلاب آن قدر با رهنمودهای قرآن گره خورده است که می‌توان انقلاب اسلامی را یک انقلاب قرآنی دانست. با تدبیر در اندیشه و منظومه فکری امام راحل(ره) شاید بتوان گفت

انقلاب اسلامی در دو بعد اساسی از حیث هدفمندی اتصال به قرآن داشته است. بعد نخست را می‌توان «قیام در راستای احیای قرآن» و بعد دوم را «قیام برای تشکیل حکومت قرآنی» دانست. حضرت امام قیام ملت ایران را یک قیام قرآنی دانسته که در طول نهضت ملت از نظام مستشاهی و نیز حکومت منهای قرآن به ستوه آمده و با اتکا به وعده‌های قرآنی خواستار قیام و نهضتی شد که در راستای احیای مقاصد دستورات قرآن باشد. احیای قرآن از منظر امام خمینی(ره) را می‌توان در چند زمینه مورد بررسی قرار داد.

تحقق قرآن، هدف قیام

الف - قیام برای تحقق قرآن: حضرت امام(ره) بارها در سخنان خود پیاده‌سازی احکام قرآنی را از نخستین انگیزه‌های مردم برای قیام و نهضت اسلامی برشمرده‌اند. ایشان در این خصوص در یکی از سخنرانی‌های خود می‌فرمایند: «رژیم مایع بود از اینکه احکام اسلامی تحقق پیدا کند؛ به قرآن عمل نشود. ما از این جهت با رژیم مخالفت کردیم. اینها می‌خواهند برای شما مملکتی غربی درست کنند که آزاد هم باشید؛ مستقل هم باشید اما نه خدایی در کار باشد، نه پیغمبری، نه امام زمانی، نه قرآن و نه احکامی». این فراز از سخن امام در خصوص هدف نهضت بسیار تکان دهنده است و نشان می‌دهد حتی دو عنصر و هدف حیاتی انقلاب اسلامی یعنی «استقلال» و «آزادی» فی‌نفسه و منهای اسلام و قرآن از منظر امام بی‌اهمیت هستند و هدف قیام ایشان پیش از آن که این دو عنصر مهم باشد، تحقق احکام قرآن است و هر دو این مؤلفه‌ها ذیل بر تو قرآن مفهوم می‌گیرند.

ایشان هم از منظر ایجابی و هم از منظر سلبی به مقوله‌هایی قرآنی ملت پیوند می‌زند. ایشان در هدف‌شناسی انقلاب چنین با ظرافت بر این موضوع تأکید می‌کنند و سرره آزادی و استقلال معنوی را از آزادی و استقلال غربی جدا می‌کنند: «ما استقلال که اسلام در آن نباشد نمی‌خواهیم. وقتی قرآن مطرح نباشد، هزار آزادی دیگر هم باشد، ممالک دیگر هم آزادی دارند مسأله را نمی‌خواهیم». در نتیجه امام(ره) نه تنها به آزادی و استقلال منهای قرآن روی خوش نشان نمی‌دهد بلکه در این حالت، استقلال ممالک دیگر هم وجود دارد و هیچ منتهی بر سر ملت انقلابی ایران نخواهد بود. حضرت امام خمینی(ره) حتی از اعطای آزادی و استقلال در عوض فراموشی قرآن، به عنوان نقشه بیگانگان نام می‌برد: «آنها استقلال منهای قرآن را می‌خواهند، ما قرآن را می‌خواهیم. اگر تمام آزادی‌ها و استقلال‌ها را به ما بدهند و بخواهند قرآن را از ما بگیرند نمی‌خواهیم. ما بیزار هستیم از آزادی منهای قرآن.»

در نهایت اینکه امام راحل(ره) مهم‌ترین ویژگی و مبدأ

حرکت عمومی و قیام مردمی که منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی شد را مقابله با حکومت ضدقرآن وقت (و نه دلایل دیگر) می‌داند. به فرمایش ایشان: «ملت ایران که قرآن کریم را در خطر دیدند به پا خاستند و با انقلاب کبیر خود، دولت اسلام را جایگزین رژیم غیراسلامی و غیرقانونی شاهنشاهی کردند.»

ب - قیام برای احیای احکام و دستورات قرآن: امام(ره) در بیانات زیادی قیام ملت ایران را در راستای احیای دستورات قرآن و سنت رسول خدامینی بر اتحاد و انسجام امت اسلامی و مبارزه با کفر جهانی معرفی نموده و می‌فرماید: «جرم و گناه ما احیای سنت پیامبر و عمل به قرآن کریم... برای مقابله با توطئه کفر جهانی و پشتیبانی از ملت محروم فلسطین بوده است». همین جامی توان بود و دستورات قرآن کریم توجه ویژه نمود که این کتاب آسمانی در آموزه‌های خود به موضوعات اجتماعی چون «دعوت عملی به وحدت»، «مبارزه با استعمار»، «مقابله با تحقیر و استضعاف ملل توسط فرد یا افراد دیگر» و به صورت خلاصه در یک عبارت قرآنی که همان «فی سبیل» است، می‌پردازد. (ولن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سیلا). ایشان همچنین ضمن بیانی در وصیتنامه الهی و سیاسی خود، قیام قرآنی ملت ایران را از یک سو در راستای پیاده کردن مقاصد کامله قرآن و سنت معرفی نموده و از سوی دیگر، این جنبش عظیم اسلامی را مایه افتخار و مباحثات دانسته که ملت عزیز ایران در راستای تحقق این آرمان بلند قرآنی، با ایثار از جان و مال خود، راه ایثار گری و شهادت طلبی را دنبال می‌کنند.

زمانی که بستر اداره قرآنی جامعه به میان آمده و این جریان می‌تواند عموم مردم را با خود همراه سازد، نوبت با خود همراه سازد، نوبت تشکیل حکومت قرآنی در میان است

زمانی که بستر اداره قرآنی جامعه به میان آمده و این جریان می‌تواند عموم مردم را با خود همراه سازد، نوبت تشکیل حکومت قرآنی در میان است

ب - مدیریت کشور بر مبنای قرآن: امام در جهان بینی قرآنی خود از یک طرف، موضوع و اهمیت موضوع قرآن را با بقیه مسائل متداول زندگی انسان‌ها کاملاً متمایز می‌داند که در صورت تزامن هر هدفی با قرآن، بتوان از هر چه جز آن چشم‌پوشی نمود. در نگاه رهبر فقید انقلاب، این نهضت اسلامی مقدمه‌ای است برای رهبری و حاکمیت جهانی قرآن و اداره جهان توسط اولیای الهی که به اعتقاد قرآن از ملزومات و مقدمات عصر مهدوی است. «سنبله، مسئله اقتصاد نیست (که در صورت تزامن با موضوعی دیگر) از آن بگذریم، مسئله، مسئله قرآن است. ما می‌توانیم تخصصی از این و آن را داشته باشیم، اما نه از قرآن که در دیگر صراحتاً به هدف انقلاب که حاکمیت قرآن نباشد اشاره می‌کنند. احاطه قرآن کریم در سطح مدیریت کلان شهری است که از این دست مفاهیم توسط امام مکرر بیان شده است. «مقصد این است که کشور ما یک کشور قرآنی باشد. کشور ما تحت رهبری قرآن، تحت رهبری پیامبر و سایر اولیای عظام اداره شود.»

زمانی که بستر اداره قرآنی جامعه به میان آمده و این جریان می‌تواند عموم مردم را با خود همراه سازد، نوبت گفتن سازی تشکیل حکومت قرآنی در میان است. از همین روست که امام(ره) در چند ساله منتهی به انقلاب اسلامی تأکید خود را به سمت تشکیل حکومت قرآن معطوف می‌سازند. ایشان مبارزه با موانع و سختی‌های پیش روی مسیر ملت ایران و جوانان را نیازمند والا بودن هدفی می‌داند که وقوع همه این خون‌ها را توجیه نماید؛ و این چیزی جز تلاش برای حاکمیت قرآن نیست: «این تحول عظیمی که در این ملت پیدا شد یک تحول بود که فقط برای این معنا که رژیم متلازمیت نباشد یا دنباله داشت؟ رژیم نباشد و حکومت قرآن باشد. اساس این (دومی) بود که می‌خواستند قرآن حکومت کند در این کشور. موانع را برداشتنند که حکومت، حکومت اسلامی باشد؛ نه اینکه همه مقصد این باشد که می‌خواهیم آزاد باشیم.»

ت - قانونگذاری بر مبنای قرآن: تحقق حکومت قرآنی نیز مستلزم آن است که قوانین و احکام قرآن، مبنای عمل و اجراء در جامعه قرار گرفته و هیچ قانونی نتواند مقابل قرآن عرض اندام نموده یا در تعارض با آن به تصویب برسد. به



درد

امام در جهان بینی قرآنی خود از یک طرف، موضوع و اهمیت موضوع قرآن را با بقیه مسائل متداول زندگی انسان‌ها کاملاً متمایز می‌داند که در صورت تزامن هر هدفی با قرآن، بتوان از هر چه جز آن چشم‌پوشی نمود. در نگاه رهبر فقید انقلاب، این نهضت اسلامی مقدمه‌ای است برای رهبری و حاکمیت جهانی قرآن و اداره جهان توسط اولیای الهی که به اعتقاد قرآن از ملزومات و مقدمات عصر مهدوی است

تعبیر ایشان: «ما برای این نهضت کریم که قرآن و قوانین قرآن در کشور ما حکومت کند. هیچ قانونی مقابل قانون اسلام و قرآن عرض وجود نکند و نخواهد کرد». اهمیت استقرار قوانین قرآنی در حاکمیت قرآنی انقلاب اسلامی از این رو بسیار حائز اهمیت است که طریق تجارب و مشاهدات، معمولاً در غالب کشورهایی که در آن انقلاب به وقوع می‌پیوندد بی‌قانونی و هرج و مرج طلبی تا مدت زیادی به اوج می‌رسد و ثبات و قانونمندی به لحاظ عدم توافق بر مبنای واحد قانونگذاری دست کم در دوره‌ای امکان پذیر نیست یا دشوار است؛ اما امام خمینی(ره) با مطرح نمودن قرآن به عنوان مورد پذیرش تقنین در جامعه اسلامی، عملاً دوره طبیعی هرج و مرج را از انقلاب اسلامی حذف کرد و توافق عموم ملت را بر مفهومی به نام قرآن به عنوان معیار متفق قانون جلب نمود. «ما هیچ دستگاهی را که خلاف قوانین اسلام و قرآن باشد نمی‌توانیم بپذیریم؛ هیچ رأی را که برخلاف رأی اسلام و رأی شخصی باشد نمی‌پذیریم». رأی گروهی یا رأی حزبی باشد (فرقی نمی‌کند). ما تابع قانون اسلام هستیم.»

ب - نقش متقابل قرآن در پیروزی قیام
تا اینجا نقش قیام مردم در تحقق نظام قرآنی و شکل گیری حکومت و قوانین مبتنی بر قرآن به عنوان هدف مرد مسلمان از نهضت بر شمرده شد. حال آن که اگر قرآن کریم را تنها به عنوان یک کتاب تاریخی، بلکه به عنوان یک موجودیت زنده و نورانی بینگاری؛ نباید تنها از یک جانب - نقش قیام مردم در تحقق قوانین قرآن - توجه کرد. بلکه باید متقابلاً به نقش قرآن کریم در پیروزی انقلاب اسلامی نیز پرداخت. شاید بتوان قرآن را به عنوان یکی از کلیدی ترین مزهای پیروزی نهضت اسلامی در دست مردم دانست که مردم با اتکای آن توانستند نهضت را به پیش ببرند. همان طور که امام(ره) می‌فرماید: «هن توصیه می‌کنم به همه ملت‌ها که رمزی را که در ایران به آن غلبه پیدا شده، به کار ببرند... تقویت ایمان و اتکال به قرآن و اسلام و وحدت کلمه، رمز پیروزی ما بود». ایشان در جای دیگری اساساً عزم و همتی که در ملت ایران برای قیام اسلامی علیه طاغوت شکل گرفت را مصادیق تاریخی نور قرآن در قلوب مؤمنین برمی‌شمرند: «این نور قرآن و اسلام است که در دل‌های شما و در قلوب همه ملت ایران جلوه کرده است.»

گرایش به قرآن در نگاه امام خمینی(ره) چنان جرئت و جسارتی به ملت ایران داد که بی‌واهمه مقابل رژیم طاغوت با آن اسم بر ملطرقا قد علم کنند و حتی بدون نیاز به کمترین خشونت و با برنده ترین سلاح که همان قرآن در دست‌های ملت نبود پیروز شوند و عناصری همچون شهادت که از مفاهیم پررنگ قرآنی است در این شجاعت‌بخشی به ملت کاملاً اثر گذار بود: «رمز پیروزی نهضت ما اتکاب به قرآن و این شیوه مقدس بود که شهادت را استقبال می‌کردند. خوف در دل آنها نبود. در عین حال که تانک‌ها و مسلسل‌ها به روی آنها آتش می‌گشود، آنها استقبال می‌کردند. این رمز را حفظ کنید. این رمز پیروزی را تا حفظ کنید پیروز هستید. پرچم قرآن را فراتر از ملت ماست پیروز است. این رمز را حفظ کنید. مادامی که ما در پناه قرآن هستیم بر دشمنان غلبه خواهیم کرد و اگر خدای ناخواسته دشمنان اسلام ما را از قرآن جدا کردند؛ باید بنشینیم و ببینیم که در ذلت و خفت بندگی زندگی می‌کنیم. استقلال و آزادی در پیروی از قرآن کریم و رسول اکرم(ص) است.»

خلاصه کلام

امام خمینی(ره) در تبیین نسبت میان نهضت اسلامی و قرآن نگاهی متقابل و دو جانبه به موضوع دارند. از یک طرف مردم با قیام خود قرآن را از مهجوریت و ستمی که در طول تاریخ به آن شده بود نجات دادند و آن را حاکم بر امور اساسی دین و دنیای خود و نیز تنظیم‌کننده روابط میان خود می‌دانند. از این رو حرکت و قیام مردم ایران حتی بیشتر از آن که نهضتی «آزادی‌خواهانه» یا «استقلال‌طلبانه» باشد، نهضتی «قرآنی» تلقی می‌شود. در سوی دیگر همان‌طور که ملت هدف نهضت‌شان را احیای قرآن قرار دادند، در مقابل نیز پیروزی مردم در پرتو همین قرآن حاصل شد و در حقیقت این قرآن بود که به عنوان رمز اساسی پیروزی و تولد نهضت مردم ایران قابل برشماری است و نه تنها در پیروزی انقلاب، بلکه در مرحله حفظ انقلاب اسلامی، در نگاه اشراقی امام خمینی(ره) این قرآن کریم تا زمانی که بدان تمسک جسته شود، تضمین بقای حرکت و نهضت اسلامی و رمز ماندگاری آن خواهد بود.

درنگ



اصلی‌ترین بحران‌های نظام را چطور شناسایی کنیم

سید جواد طاهایی

اصلی‌ترین مشکل هر فرد یا جمع آن مشکلی است که مستقیماً ناشی از او باشد نه ناشی از پیرامون او یا در ارتباط با او. مهم‌ترین مسائل و بحران‌های «نظام جمهوری اسلامی ایران» که باید حل شوند یا کاهش یابند، آنهایی‌اند که از خود نام دولت جمهوری اسلامی ایران یا نظام جمهوری اسلامی ایران بر خاسته‌اند. مسائل جمهوری اسلامی در درون نام دولت مسائل جمهوری اسلامی نه بیرون از آن. اصطلاح چهار بخشی دولت جمهوری اسلامی ایران تاکنون کانون توجه نبوده و بیشتر مفروض گرفته شده است. مسائلی اصلی نظام جمهوری اسلامی در کسره‌های زیر هر یک از چهار بخش این اصطلاح مندرج‌اند که می‌شوند سه کسره و یک سکون: دولت جمهوری اسلامی ایران. کسره‌ها از ارتباط بین کلمه‌های قبیل و بعد از خود سخن می‌گویند. هیچ‌یک از مسائل اساسی نظام، بیرون از حوزه کسره‌ها قرار ندارند. در واقع این کسره‌ها و علائم، کانون نظری بنیادی‌ترین و جدی‌ترین بحران‌های نظام سیاسی در عمل و اجرا هستند و همچون کوه‌های آتشفشان مسئله و مشکل عمل می‌کنند. مجموعاً آنها حکایتگر بیماری‌ها و آسیب‌هایی‌اند که، خیلی کلی، از تأثیر ایدئولوژی مدرن (به معنای فلسفاهای که کاربرد سیاسی یافته) بر عمل دولت جمهوری اسلامی ناشی شده‌اند.

قبل از آنکه به کسره‌های ارتباط بین اجزای اصطلاح نظام جمهوری اسلامی ایران رابطه بین نظام‌های دولت و جمهوری بودن آن است. ظاهراً این دو متناقض با هم‌اند؛ نظام وحدت و هماهنگی را می‌رساند اما نهاد دولت برمی‌خیزد یا احترام به تفکر افکار دولت است. وقتی می‌گوییم دولت، نمی‌دانیم ابتدا حاکمیت (sovereignty)، از آن استفاده کنیم یا دولت (government)؛ از رهبری یا ریاست جمهوری. از میزان عظمت مقام رئیس جمهور را جقدر است؛ آیا او به عنوان مسئول قوه مجریه فقط مسئول آب و نان و امنیت مردم است یا نماینده عظمت اراده مردمی است و بنابراین خودش هم از آن عظمت بهره دارد؟ دومین، جمهوری است. وقتی می‌گوییم جمهوری نمی‌دانیم دموکراسی مدرن و مردم‌سالاری را از آن برداشت کنیم یا آنکه جمهوری را معنایی مستقل از مردم‌سالاری بدانیم. آیا جمهوری (republic) همان مردم‌سالاری است؟ رهبران اشتباه و خیمی مرتکب شدند که این دو را یکی انگاشتند. این دو یکی نیستند که هیچ؛ ضد هم‌اند... سومین بخش «اسلامی» است. وقتی این اصطلاح را می‌شنویم نمی‌دانیم که آیا باید اسلام خلص و ناب را از آن برداشت کنیم یا اسلام حسب شرایط ایران را؛ منظور اسلام است یا مسلمانان؛ آیا منظور دین اسلام است یا اسلام فرهنگی - شده و درونی شده تحت شرایط تاریخی ایران. آیا این دو اسلام متفاوت از هم‌اند یا طبق نظر مرحوم مدرس یکی‌اند؟ گاه احساس می‌شود این معنای دوم در حال گسترده‌تر شدن است. چهارمین جز اصطلاح «ایران» است. ایران نظام جمهوری را از بطن

خود مصروف داشته است. در هر حال، این کسره‌ها، راهنمای درک مسائل و بحران‌های آشکار و پنهان نظام‌اند و بنابراین نباید به گونه اجمال گذاشته شوند، بلکه باید پاسخ‌های صریح و مدلی بیابند. پرسش‌های ملت‌های مسئله‌زای فوق‌الذکر ایران، آیا این دو پاسخ نیستند. آنها حاوی بحران‌اند نه بن‌بست. در جهان انسانی تقریباً بن‌بست نداریم؛ این فقط مفهوم است و تقریباً فاقد مصداق عینی.

اگر دقت کنیم بستر و زمینه همه بحران‌های موجود، طبقات متوسط جدید کشورند. آن بحران‌های نهفته در نام جمهوری اسلامی، به‌وسیله این طبقات نیرو می‌یابند و متبلور می‌شوند و جاری می‌گردند. پس راه حل در همین طبقات و از طریق این طبقات است. آنها می‌توانند به ثبات و وحدت سیاسی موجود ژرفنا و شوکه بیشتری ببخشند. ۴۰ سال پیش این طبقات شهر نشین مشتاق اسلامی نهفته‌اند نه بیرون از آن. اصطلاح چهار بخشی دولت جمهوری اسلامی ایران تاکنون کانون توجه نبوده و بیشتر مفروض گرفته شده است. مسائل اصلی نظام جمهوری اسلامی در کسره‌های زیر هر یک از چهار بخش این اصطلاح مندرج‌اند که می‌شوند سه کسره و یک سکون: دولت جمهوری اسلامی ایران

منبع: خیرگزاری مهر